

«حلقات»

درس چهارم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای پیشوایی

مقدمه

یکی از ادله ای که برای اثبات حجیت خبر واحد به آن تمسک شده است، آیاتی از قرآن می باشد. در درس گذشته شهید صدر برای اثبات حجیت خبر واحد، به مفهوم آیه شریفه نبأ تمسک نمود. به مفهوم شرط در این آیه شریفه دو اشکال وارد شده است. اشکال اول این بود که مفهوم شرط در این آیه پذیرفتنی نیست؛ زیرا در این آیه، شرط، مقوم و محقق موضوع است.

برای پاسخ اشکال باید معنای مطابقی به دقت بررسی شود به همین خاطر شهید صدر به احتمالات گوناگون در موضوع و شرط در این آیه شریفه اشاره کرد.

در این جلسه، نخست به ادامه بررسی این احتمالات می پردازیم و احتمال درست را اثبات می کنیم که بر اساس آن شرط در این آیه مفهوم دارد و سپس اشکال دوم - که درباره مفهوم شرط در آیه وارد شده است - را مطرح می کنیم.

متن درس

ولا شك في ثبوت المفهوم في النحو الاخير لعدم كون الشرط حينئذ محققا للموضوع، كما لا شك في عدم المفهوم في النحو الثاني لان الشرط حينئذ هو الاسلوب الوحيد لتحقيق الموضوع.

واما في النحو الاول، فالظاهر ثبوت المفهوم وان كان الشرط محققا للموضوع لعدم كونه هو الاسلوب الوحيد لتحقيقه، وفي مثل ذلك يثبت المفهوم، كما تقدم توضيحه في مبحث مفهوم الشرط، والظاهر من الآية الكريمة هو النحو الاول فالمفهوم اذن ثابت.

والاعتراض الاخر يتلخص في محاولة لابطال المفهوم عن طريق عموم التعليل بالجهالة الذي يقتضى اسراء الحكم المعلن إلى سائر موارد عدم العلم

اشکال به مفهوم شرط در آیه نبأ

اشکال اول

شرط در منطوق آیه شریفه محقق موضوع است و اگر چنین باشد آیه مفهوم نخواهد داشت ؛ چون مفهوم با انتفاء موضوع منتفی می شود.

نکته

اگر شرط در جمله شرطیه تنها راه تحقق موضوع در جزا باشد، جمله شرطیه مفهوم نخواهد داشت؛ اما اگر تحقق شرط تنها راه تحقق موضوع نباشد، یا اصلاً راه تحقق موضوع نباشد، جمله شرطیه مفهوم خواهد داشت. مقدمه پاسخ اشکال: شهید صدر در باره شرط و موضوع جمله شرطیه در آیه نبأ سه احتمال مطرح کرد.

الف) موضوع، «خبر» و شرط، «اخبار فاسق» باشد. در این صورت موضوع خبر است که دو راه تحقق دارد: اخبار عادل و اخبار فاسق. در نتیجه اخبار فاسق تنها راه ایجاد موضوع نیست و شرط محقق موضوع نبوده و جمله شرطیه مفهوم دارد.

ب) موضوع، «خبر فاسق» و شرط، «اخبار فاسق» باشد. در این حالت تنها راه تحقق خبر فاسق همان اخبار فاسق است. تا فاسق اخبار نکند و شرط محقق نشود، موضوع محقق نخواهد شد. تحقق شرط، علت انحصاری و تنها راه تحقق موضوع است و انتفاء شرط، جزاء را سالبه به انتفاء موضوع نموده و در نتیجه فاقد مفهوم می سازد.

ج) موضوع، «مخبر» و شرط «فسق مخبر» باشد.

یادآوری

اگر احتمال سوم درست باشد، امر «تبینوا»، به مخبر مربوط می شود، نه خبر و این معنا را افاده می کند که «در مورد مخبر و صداقت او تحقیق و تفحص کنید»؛ زیرا موضوع حکم، متعلق متعلق حکم است. حکم وجوب است که به تبیین تعلق گرفته است و تبیین هم به موضوع که در این جا مخبر است تعلق گرفته. بنابراین آنچه باید در موردش تحقیق شود، مخبر خواهد بود.

در این احتمال هم هیچ ارتباطی بین شرط و تحقق موضوع نیست؛ چون شرط، فسق مخبر است و موضوع خود مخبر. در نتیجه شرط هیچ گونه تأثیری در ایجاد موضوع ندارد. پس بنابر این احتمال نیز جمله شرطیه دارای مفهوم است.

پاسخ اشکال اول

اشکال بر اساس احتمال دوم درباره شرط و موضوع جمله شرطیه در آیه نبأ بود. در نتیجه برای رد این اشکال باید احتمال دوم رد شود و احتمال نخست یا سوم، معنای جمله باشد. شهید صدر می گوید ظاهر آیه با احتمال نخست سازگار است.

اثبات احتمال نخست درباره شرط و موضوع جمله شرطیه در آیه نبأ

برای فهم دقیق موضوع باید به متعلق حکم توجه کرد. متعلق حکم تبیین است و مفعول تبیین، موضوع حکم است. مفعول تبیین، ضمیر حذف شده است. در واقع جزای شرط «فتبینوه» بوده است که ضمیر «ه» حذف شده است. پس بحث اصلی مرجع این ضمیر است. فهم عرفی ما اقتضاء می‌کند که مرجع این ضمیر خود «نبأ» مطلق و بدون قید باشد، نه «نبأ فاسق». بنابراین مفعول تبیین که متعلق متعلق حکم است، مطلق «نبأ» خواهد بود. بنابراین شرط محقق موضوع نبوده و مفهوم ثابت می‌شود.

Sco 1 14:10

اشکال دوم به مفهوم شرط در آیه نبأ

قاعده «العله تعمم و تخصص» در اصول مشهور است و معنای آن، این است که علت گاه موجب گسترده شدن حکم و گاه موجب تضییق حکم می‌شود. مثال مشهور این قاعده «لا تأکل الرمان لانه حامض» است. این جا ح‌موضت یا ترشی علت حرمت خوردن انار است. این تعلیل به این معناست که چون ترشی مضر است و انار ترش است، انار تحریم شده است. در نتیجه هر چیز ترش دیگر مانند آبلیمو یا آبغوره و هم همین مشکل ضرر را دارد و در نتیجه حرام خواهد بود. پس این مفهوم تعلیل، دایره حکم را گسترش می‌دهد. از طرفی همین تعلیل موجب تخصیص حکم نیز می‌شود؛ زیرا انار دو نوع ترش و شیرین دارد. در این دستور، حرمت به خاطر ترشی به انار تعلق گرفته است و تنها انار ترش است که حکم حرمت دارد. بنابراین انار شیرین از این حکم حرمت خارج می‌گردد.

تطبیق قاعده «العله تعمم و تخصص» بر آیه نبأ

در آیه نبأ هم یک مفعول له وجود دارد که علت حکم را بیان می‌فرماید؛ یعنی «ان تصیبوا قوما بجهاله» علت حکم وجوب تبیین است. علت وجوب تبیین این است که به گروهی از روی جهالت، آسیب نرسانید. جهالت و جهل در مقابل علم قرار می‌گیرد و هرچه قطعی و علمی نباشد، جهل است و فرقی نمی‌کند که این عدم العلم مظنون باشد یا مشکوک و علی‌موهوم.

در آیه شریفه برخورد جاهلانه علت حکم معرفی می‌شود که هر کجا باشد حکم ثابت است. در صورت مجیی خبر عادل باز همان تعلیل وجود دارد؛ زیرا با خبر عادل باز ما به یقین نمی‌رسیم و شاید شخص عادل اشتباه کرده یا دروغ گفته باشد. پس امکان برخورد جاهلانه با گروهی وجود دارد. بنابراین باید با تحقیق و تبیین و ایجاد قطع، جلوی این برخورد گرفته شود. لزوم تحقیق به معنای عدم حجیت خبر عادل است. پس با تعمیم علتی که در منطوق بیان شد، خبر عادل از حجیت ساقط می‌شود.

پرسش: تعمیم علت چگونه وجود مفهوم را زیر سؤال می‌برد؟

پاسخ: جمله شرطیه مفهوم دارد اگر شرط، علت انحصاری وقوع جزا باشد. اگر آنچه به عنوان شرط مطرح شده است از علت انحصاری بودن برای جزا خارج شود، جمله مفهوم نخواهد داشت. در آئی شریفه خبر فاسق باید علت انحصاری وجوب تبیین باشد.

اشکال کننده با استفاده از عموم تعلیل، انحصاری بودن شرط نسبت به جزا را از بین می‌برد؛ زیرا علت انحصاری تبیین تنها اخبار فاسق نیست، بلکه اخبار عادلانی که موجب قطع نشود هم می‌تواند، شرط تبیین باشد. پس یکی از شرایط مفهوم که علت انحصاری بودن شرط برای جزا بود از بین رفته و دیگر جمله شرطیه مفهوم نخواهد داشت.

Sco 2 23:37

چکیده

1. اگر در قضیه شرطیه، شرط تنها راه تحقق موضوع حکم باشد، جمله شرطیه مفهوم نخواهد داشت؛ اما اگر شرط تنها راه تحقق موضوع نباشد یا اصولاً ربطی به تحقق موضوع نداشته باشد، جمله شرطیه دارای مفهوم خواهد بود.
2. در احتمال نخست، در موضوع جمله شرطیه در آیه نبأ، شرط «فسق» ربطی به تحقق «خبر» که موضوع قضیه بود ندارد. پس آیه مفهوم دارد.
3. در احتمال دوم، شرط «اخبار فاسق» تنها راه تحقق «خبر فاسق» که موضوع حکم است می‌باشد، در نتیجه جمله مفهوم نخواهد داشت.
4. در احتمال سوم، شرط فسق هم ربطی به تحقق مخبر که موضوع باشد، ندارد. در نتیجه آیه بر اساس این احتمال مفهوم دارد.
5. احتمال نخست به ظهور عرفی آیه نزدیک تر است؛ زیرا موضوع آیه مرجع ضمیر محذوف در «فتبینوا» می‌باشد و مرجع این ضمیر خود «نبأ» است، نه «نبأ فاسق». پس موضوع «خبر» می‌شود، نه «خبر فاسق».
6. هرگاه در یک حکم علت وجود داشته باشد، آن علت موجب گسترش حکم به دیگر مواردی که علت در آن وجود دارد می‌شود و مواردی از موضوع را که فاقد علت هستند از تحت حکم خارج می‌کند.
7. اشکال دوم به مفهوم آیه نبأ: در آیه شریفه، علت وجوب تبیین برخورد جاهلانه با دیگران مطرح شده است. این جهل شامل هرچیز غیر یقینی؛ مانند ظن و شک نیز می‌شود. در خبر عادل نیز چون یقین وجود ندارد، تبیین لازم است تا برخورد جاهلانه نباشد.
8. اگر علت حکم وجوب تبیین تعمیم یابد، شرط از علیت منحصراً برای جزا خارج شده و دیگر جمله شرطیه مفهوم نخواهد داشت.